مسئوولیت متن و شکل بدوش نویسندهٔ مضمون میباشد، عقیدهٔ نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاین نمی باشد

عبدالقیوم میرزاده ۲۰۲۱/۰۵/۰۲

کتاب

زنان

و مشکلات فرا روی شان در جامعهٔ افغانی

نویسنده

عبدالقیوم میرزاده

پیوسته به گذشته (قسمت سی وسوم)

یکعده متفکرین این بخش فیمینیست های اسلامی چون طاهره قرة العین (۱۸۱۷ – ۱۸۵۲) شاعر و نویسنده ایرانی عراقی و فعال فرقه اسلامی بهایی، زینب فوأز (۱۸۶۰ – ۱۹۱۴) نویسنده و شاعر لیبیایی، عایشه عصمت تیموریه (۱۸۴۰ – ۱۹۰۲) شاعر، نویسنده، فعال اجتماعی مصری در زمان اقتدار امپراطوری عثمانیه، ملکه ثریا (۱۸۹۹ – ۱۹۶۸) نویسنده، فعال نهضت زنان افغانستان خانم امان الله خان شاه افغانستان و مدت ده سال (۱۹۱۹ – ۱۹۲۹) در دوران پادشاهی امان الله خان وزیر فرهنگ افغانستان بود، محمد امین قاسم (۱۸۶۳ – ۱۹۰۸) نویسنده، فعال اصلاح طلب اجتماعی مصری و یکی از بنیان گذاران جنبش ملی مصر و نهضت زنان مصر و نویسنده کتاب (تحریر الامرة) که او را پدر فیمینیسم مصر میشناسند و بسیاری دیگر از این نویسندگان، شاعران و پیشگامان نهضت زنان در جوامع اسلامی از اواخر قرن نزدهم و سالهای آغازین قرن بیستم به نشر مضامین دیدگاه های زنانه پرداختند تا زنان را از طریق ارشادات اسلامی به سوی رهایی از تبعیض جنسیتی و نیل به آزادیهای فردی رهنمون گردند. هرکدام این شاعران و نویسندگان و فعالین که امروزه بنام فیمینیسم اسلامی آنرا مینامند قواعد شرعی، فتوی های مذهبی و اصول امر بالمعروف اسلامی در باره ستم جاری بر زنان، غصب حقوق انسانی زن، چند همسری مردان، مسئله حجاب و پوشش اسلامی، تفکیک تبعیض آمیز جنسی و بسا حق تلفی های دیگری که از نام اسلام بر زنان معمول بود را به چالش کشیده واین اعمال را مغایر اصول اسلام حقیقی توضیح کردند. این نوشته ها، اشعار و کتاب ها تأثیر فراوانی بر جنبش های سیاسی زنان در بیشتری از کشور های اسلامی بجا گذاشت.

در کشور ما افغانستان ملکه ثریا طی مباحثه ها و نوشته ها در جریده سراج النسوان ۱۹۲۲ دیدگاه های جدیدی را با منطق و استدلال علمی در باره تحصیل و تعلیم زنان مطابق به احکام اسلام حقیقی ثابت ساخته و به زنان این آگاهی را رساندند که شرط پیشرفت یک جامعه شما زنان هستید تا از طریق تحصیل و کسب آگاهی آنراممکن و میسر سازید. موصوف در یک حرکت نمادین چادر و یا روسری خویش را در محضر عام بدور انداخته و با این حرکت نشان داد که زن انسان کامل الحقوق آزاد است که تابع هیچ قید و شرط مردانه بوده نمیتواند و در تمام مجالس مردانه وزرا، سفرای خارجی و نمایندگان دولت، جشن ها و اعیاد شرکت میکرد تا برای سایر زنان نمونه پیشگام باشد.

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

با نگاه گذرا بر صفحات انترنتی و تحلیل چگونگی وضعیت زنان در می یابیم که در این اواخر در کشور ما و یکعده کشور های منطقه گروه های نه چندان بزرگ از زنان کشور ما و زنان کشور های همسایه تدابیر و تماسهایی را به منظور مبارزات فیمینیستی اسلامی رویدست گرفته و به قول خودشان برابری حقوق زنان را در بازنگری متون اسلامی، احادیث و فتوی های اسلامی جستجو دارند. آنها به این عقیده اند که طرح ها و تفسیرات ملایان، متولیان دینی و بنیاد گراهای اسلامی را به چالش کشیده وقشر زن را در برابر آن آرایش میکنند. نظریات در باره حق میراث زن و مسئله پوشش اسلامی را به شدت زیر سوال میبرند.
زنان جامعهٔ ما بخوبی بائیست درک کنند که رهایی زنان از سیطره فرهنگ مرد سالار مسئله علوم جامعه شناسی، انسان شناسی، سیاست،اقتصاد، فرهنگ و روانشناسی میباشد نه علم الهیات و فقه اسلامی. که برای شناخت خصوصیات وضعیت زنان کشور ما و ریشه یابی چالش های فراروی شان تنها بوسیله علوم اجتماعی که در بالا از آن نام بردم میسر و ممکن میباشد. و از طرف دیگر هرگونه تداخل متون اسلامی در کار زار سیاست و مسایل زنان به نحوی قبولی این متون برای حل مسایل سیاسی و اجتماعی و به گونه ای شناسایی مشروعیت آن میباشد که کاملاً در خط مقابل حقوق زنان قرار داشته و مردود است.
در هر حالت همهٔ انواع تشکلات زنان جامعهٔ ما که در راه اعاده حقوق زنان و ترویج و نهادینه کردن فرهنگ برابری زنان با مردان مورد نظر باشد کاریست درخور ستایش، اگرآنها بتوانند در باز خوانی هایشان از متون اسلامی ثابت کنند که قرآن کریم تأکید بر برابری حقوق انسانها بدون تبعیض جنسیت داشته و این متون را در جامعه قابل پذیرش گردانند کاریست انسانی، بشر دوستانه و قهرمانانه که من آنرا بدیده قدر مینگرم. زیرا تآسیس نهاد های مدنی برای کنترول جامعه و نظارت بر عملکرد دولت ها در افغانستان از جمله ضروریات بسیار اهم بخصوص در عرصه آزادی زنان به شمار میرود و همچنان این تشکلات دولت را نیز مقتدر ساخته تا از حقوق شهروندانش صرف نظر از عقاید و باور های شان دفاع کرده بتواند.
فیمینیست های اسلامی همچنان تأکید میدارند که مرد سالاری یا پدر سالاری در جوامع بشری نتیجه تعاملات طبیعت، بیولوژی، نظام اقتصاد و طبقات، امور فرهنگ و دین میباشد که همهٔ این عوامل دست بدست هم داده فرهنگ مرد سالار یا پدر سالار را نهادینه ساختند که دین اسلام به تناسب ادیان ماقبل اش خاصتاً یهودیت و مسیحیت به مراتب دین تساوی جویانه و عدالت پرورانه بوده و قرآن به تناسب انجیل و تورات و زبور حاوی مضامین است که برای همهٔ انسانها بدون تبعیض جنسیتی، حقوق و آزادی هایی را در بر داشته و اصل برابری همهٔ انسانها را بصورت یکسان توضیح میدارد. فیمینیست های اسلامی مدعی اند که دین اسلام از جانب عمال،گردانندگان و محافظه کاران سنتی و اسلام سیاسی منحیث دین خشونت و تبعیض رونمایی شده است و بوسیلهٔ تحریف آیات، احادیث و فتوی های خشونت بار منحیث دین زن ستیزدر تحکیم هر چه بیشترمرد سالاری کوشیده که همهٔ این احادیث، تفسیر ها و فتوی های مذهبی قابل باز بینی و باز نگری جدی میباشند. با این بازنگری از یکطرف چهره اصلی دین اسلام به پیروانش و جهانیان رونمایی میگردد و از طرف دیگر زنان این نیم پیکر جوامع از قید ستم و ظلم مرد سالاری نجات می یابد.
فقه (اسلامی) که هم اکنون بازار سیاست اسلام سیاسی را گرم نگهداشته است عبارت از همان فقه میباشد که اساسات آن در قرن نهم گذاشته شده است. اگر این فقه را بصورت کارشناسانه با تاریخ کشور های عربی و مسلمان در قرن نهم از دید جامعه شناسی مطالعه و ارزیابی کنید درمی یابیم که تمام اصول طرح شده در این فقه عبارت است از شرایط فرهنگی، سیاسی، اجتماعی آنزمان که به شدت مرد سالار و ضد زن بوده است. در این فقه احادیث و گفته های از پیغمبر برای تحکیم فرهنگ مرد سالار نقل قول گردیده است که با اعمال حقیقی پیغمبر کاملاً در منافات میباشد و به این ترتیب تمام احادیث زیر سوال قرار میگیرد. از همین جاست که فیمینیست های اسلامی خواهان باز نگری تمام تفاسیر قرآنی و احادیث را مطالبه دارند.
فیمینیست های اسلامی تلاش دارند تا آیات مناقشه بر انگیز که از جانب متولیان دینی، مراجع فتوی و تفسیر به شکل تبعیض آمیز در باره زنان حکم میکنند و این احکام را بنام احکام الهی به مردم تلقین میکنند همچنان داستان ها و روایات از آفرینش را کاملاً مغایر تصریح قرآنی به شکل تبعیض آمیز به خور مردم میدهند به بحث گرفته و بر طبق آیات قرآن آنرا بازنگری و به آگاهی مردم برسانند. آنها در نظر دارند از این طریق از چند گانگی زنان در جوامع اسلامی جلوگیری کرده و با استناد به باور هایشان آنها را از سر در گمی هویتی و اعتقادی در امان نگهدارند. این فیمینیست ها در نظر دارند تا با بازنگری متون دینی، اتحاد همه زنان در کشور های اسلامی به انحصار گری روحانیت مردانه بر مسجد و مذهب نقطه پایان گذارند و این درک و فهم را که زنان هم جز با اعتبار جامعهٔ اسلامی و کامل الحقوق اند و میتوانند مشترکاً با مردان جامعه را با تمام ابعادش اداره، رهبری و انکشاف دهند.

همانطوریک در مباحث قبلی توضیح کردم درکشور ما افغانستان عزیز زنان ها هم به شیوه نماد های انفرادی چون رابعه بلخی (۹۱۴ – ۹۴۳) دختر کعب فرداری فرمانروای بلخ شاعر، ادیب و سوار کار بی بدیل دورانش، عایشه درانی، نازو انا، مهستی، حاذقه، محجوبه هروی، مخفی بدخشی، سلطان رضیه غوری، بی بی جانی حیاتی هروی، بی بی حلیمه ملقب به بَبُو جان خانم امیر عبدالرحمن خان و ملکه با اقتدار ذوران حکروایی امیر عبدارحمن خان و

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزې بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

صد ها زنان دیگر از شعرا، نویسندگان، اهل قلم و ادب با فعالیت های انفرادی شان نقش قابل وصفی برای بیداری و آگاه سازی زنان کشور ما در شهر ها و روستا ها خدمات ارزنده ای را انجام د اده اند. که من مصمم ام در مبحث (منفعل بودن و ضعف زنان در برابر مصایب اجتماعی علیه خودش) با تفصیل بیشتر از زنان آگاه، تاریخ ساز و قهرمان کشور مان یاد آوری کنم.

همچنان در فعالیت های دسته جمعی و گروهی زنان کشور ما باید خاطر نشان کرد که پیکار قهرمانانه زنان ولایت کندهار و حومه ای آن در جنگ میوند به سر دسته گی دختر آزادمنش و قهرمان ملالی واقعاً نماد روشنی از مشارکت زنان در امور آزادی و حیات سیاسی کشور ما را بیان میدارد. به قول مؤرخ نامدار کشور ما میر غلامحمد غبار در کتاب (افغانستان در مسیر تاریخ) چهار صد زن آگاه و آزادیخواه کابلی در جنگ رو یاروی با انگلیس ها در اطراف کوه آسمایی حماسه آفریده و با این مشارکت شان نقش و تأثیر بسزایی در بیداری زنان کشور ما ایفا کردند که غبار آنرا چنین توضیح میدهد:« در جنگ های جبال کابل بود که مردم بیرق های رنگارنگ بر افراشتند و زنان کابل وظیفه آب و نان رسانی مبارزین ملی را در قله کوه ها بدوش گرفتند.دسته جات این شیر زنان با کوزه های آب و بسته های نان مثل آهوان در سنگلاخ های جبال میدویدند و جنگ آوران دلیر را تغذیه می نمودند چهار صد نفر از زنان کابل درین وظیفه سهم گرفتند و هشتاد و سه نفر آنان در جنگ کوه آسمائی شهید شدند. انگلیس ها از تحریک و تشجیع زنان افغان در شدت جنگ، افزون برآن فراهم آوری مواد غذائ در سنگر های جنگ و مقاومت، شدیداً به هراس افتادند و کوشیدند زنان را در حصار خانه ها نگه داشته و آنها را از ساحه جنگ به هروسیله که امکان پذیر است به دور نگه دارند. انگلیس ها با اهدای پول و پست های حساس به متنفذین قومی، روحانیون مذهبی و اشخاص جا طلب که همواره نیات شوم خود را بالای این مردمان قبولانده و اهداف خود را تطبیق نموده اند. گرچه انگلیس ها برای جلوگیری از فراگیر شدن این مشارکت زنان توانستند با رشوه دهی ملا ها، متولیان متعصب دینی و نقش بسیار منفی خانواده های سرشناس روحانی شهر کابل فتوی هایی را صادر کردند که به موجب آن پوشیدن چادری فرهنگی را که بر زنان مسلمان هندوستان ترویج کرده بودند بر زنان کشور ما نیز مروج ساختند و در فتوی آمده بود که چون انگریزان در شهر و بازار در رفت و آمد اند بناً زنان دیگر به خارج شدن از منزل مجاز نیستند. در صورت ضرورت ملبس با چادری و بامحرم شرعی رفت و آمد کنند، و بدین ترتیب از یکطرف توانستند جلو مشارکت زنان را در جنگ علیه خودشان بگیرند و از طرف دیگر سالیان متمادی دیگر زنان کشور ما را به این وسیله بیشتر تحت فشار و در حصار فرهنگ مرد سالار و چادری قرار دادند.

جنبش زنان برای بیداری، آگاهی و مشارکت زنان بصورت رسمی در زمان امان الله خان شکل گرفت در این زمان بود که زنان برای اولین بار در تاریخ کشور ما براساس مواد قانون اساسی کشور و ضمایم آن از حقوق و آزادی ها در تمام عرصه ها بخصوص تعلیم وتربیت، حق تحصیل، حق کار و استراحت، حق آزادی فردی، مصئونیت فردی، آزادی گفتار، بیان و اجتماعات، فعالیت های سیاسی ومدنی، وسفرهای تحصیلی را به خارج کشور برخوردار گردید. گرچه این جنبش یا نهضت دیر پا نماند و با یورش وحشیانه گماشتگان انگلیس، محافظه کاران سنتی و متولیان عقب گرای دینی در زمان حکمروایی حبیب الله بچه سَقَوْ خفه گردید و در زمان حکومت محمد نادرشاه نیز چندان توجه جدی به امور زنان و آزادی های شان مبذول نگردید تا اینکه در دوران محمد ظاهر شاه در گامهای نخستین مؤسسه نسوان که بعد ها به میرمنو تولنه تغییر نام داد ایجاد و راهکار این مؤسسه بیشتر با سواد سازی زنان خانواده دار که بنابر معاذیری بیسواد مانده بودند، کورس های تربیت اطفال و امور منزل، آگاهی رسانی برای زنان در قبال مکلفیت های خانواده گی و اجتماعی شان نقش مهمی ایفا کرد تا اینکه در سال ۱۹۶۵ سازمان زنان افغانستان زیر رهبری دکتورس اناهیتا راتب زاد و عده ای از زنان دیگر که بیشتر متأثر از اندیشه های چپ بودند ایجاد گردید. این سازمان با سرعت توانست با ایجاد نمایندگی ها در سراسر کشور زنان را غرض سواد آموزی، تحصیل، آگاهی رسانی، آزادی از قید اسارت فرهنگ مرد سالاری و مشارکت در همهٔ امور کشور بسیج سازد. این سازمان در اولین سالهای فعالیت اش فشار مضاعف برحکومت و پارلمان درمواقع اقدامات و تصامیم زن ستیز ایشان وارد کرد.

به قول نانسی هاتچ دو پری Nancy Hatch Dupree (۱۹۲۷ – ۲۰۱۷) افغانستان شناس مشهور امریکایی در سال ۱۹۶۸ محافظه کاران سنتی و متعصبین مذهبی زن ستیز در پارلمان افغانستان تصمیم گرفتند قانونی را به تصویب برسانند که بر طبق آن دختران افغان را از حق تحصیل در خارج کشور ممنوع قرار داده واز خارج رفتن بر حذر میداشت. این سازمان زنان با راه اندازی تظاهرات سراسری زنان در شهر کابل و عده از ولایات کشور توانستند بر پارلمان و حکومت فشار بیآورند تا از تصویب این قانون در ولس جرگه یا پارلمان کشور جلوگیری بعمل آورند. همچنان بر علیه فعالیت های خصمانه مسلمانان سیاسی علیه نهضت زن و طریقه لباس پوشیدن و تیزاب پاشی بر روی زنان آزادمنش، در سال ۱۹۷۰ در یک اقدام بیسابقه این سازمان توانست هزاران زن را به خیابان ها کشانده عاملین خشونت علیه زنان را به کیفر اعمال شان برسانند. این اقدامات دقیقاً در راستای مبارزات فیمینیستی کشور ما از اهمیت فراوان برخوردار است.

با آنکه نهضت بیداری زنان در کشور ما راه دور و داراز، پر پیچ وخم و پر مخاطره ای را پیموده است و من بصورت اختصار از آن یاد آوری کردم، هم اکنون زنانی فراوانی در داخل کشور و برون از آن در توضیحات

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکي په خیر و لولئ

انفرادی و گروهی خود را فیمینیست مسلمان معرفی میکنند و ظلم، تعدی و ستم بر زن را در کشور ما ناشی ازموجودت فرهنگ مرد سالار و برداشت های نادرست و غیر حقیقی از اسلام میدانند ولی در جامعهٔ سنتی کشور ما هنوز برای فیمینیسم کدام تعریف مشخص ومعینی ارائه نگردیده است. و واژه و کلمهٔ فیمینیست در کشور ما بنابر تبلیغات وسیع متولیان دینی ومحافظه کاران سنتی و بی خبری و نا آگاهی زنان از جنبش های فیمینیستی در میان مردم خاصتاً زنان شهرت منفی داشته ومنسوب به فیمنیسم را معادل بی بندو باری و فحشا تلقی میکنند.
اما اگر فیمینیسم اسلامی واقعاً در صدد رهایی زنان از زیر بار وحشت موجود جامعهٔ مرد سالار باشد و در زوایای ناپیدای این نهضت اهداف پیشگیرانه غرض جلوگیری از انکشاف فعالیت های فیمینیستی نوع بی بند و بار غربی نهفته نباشد، احتمالاً میتواند با تشکل های سراسری و بدون هراس البته با قبول دشواری ها، خطرات خشونت بار ، تهدید ها و قربانی های فراوان که از جانب قشر محافظه کار مذهبی و سنت پسندان و بنیاد گرایان پیرو اسلام سیاسی متصور است مفهوم آزادی بخش و رهایی بخش برای زنان زیر ستم کشور ما داشته باشد. در غیر آن اگر فمینیزم اسلامی با رویکرد پسامدرن و به عنوان یک فمینیزم مضاف شکل گرفته باشد تا زنان جوامع اسلامی را زیر نام این تشکل از رابطه بین المللی با زنان جهان و خاصتاً اقدامات مساعدتکارانه برای رفع هرنوع تبعیض جلوگیری بعمل آرند قابل قبول نیست و این تشخیص را زنان جوامع اسلامی و خاصتاً زنان جامعهٔ ما داشته باشند.
از نظر من بهتر خواهد بود تا گُردان های زنان افغانستان سازمانهای سراسری خویش را ایجاد و مفهوم فیمینیزم را برای زنان جامعهٔ ما معرفی و تعریف کنند. همچنان در باره فیمینیسم اسلامی و گوشه های ناپیدای آن تحقیق بیشتر کرده و زنان کشور را در جریان یافته های شان بگذارند. پایان قسمت سی و سوم (ادامه دارد)

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکي په ځیر و لولئ